

Provisions of the Organization of Islamic Cooperation (OIC) Regarding the Normalization of Relations between Some Arab States and the Zionist Regime

Ahmad Reza Tohidi¹, Zahra Hasanjanzadeh²

¹ Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom,
(Corresponding Author). legaloffice@gmail.com

² PhD Student of International Law, Faculty of Law, University of Qom. z.hasanjanzadeh@gmail.com

Abstract

The inter-governmental Organization of Islamic Cooperation (OIC) was established within the framework of Chapter VIII of the UN Charter to support the struggle of the Palestinian people, empower them to attain their inalienable rights, and ensure global and regional peace. The OIC requires all member states to adhere to its principles. However, despite the Zionist regime's persistent efforts to quietly plan the annexation of occupied territories and its failure to respect the minimum rights set forth in international law for the Palestinian people, some Arab states have signed peace agreements to normalize their relations with Israel. This study employs a descriptive-analytical approach to examine the international legal aspects of the normalization of relations between certain Arab states and the Zionist regime. It explores the Zionist regime's disregard for international law and regional requirements, as well as the need for other OIC member states to support the Palestinian people in accordance with the provisions of the Organization. The study aims to shed light on the dimensions of international law surrounding the normalization of relations between certain Arab states and the Zionist regime, highlighting the Zionist regime's non-compliance with international law and regional requirements, and emphasizing the necessity for other member states of the Organization of Islamic Cooperation to support the Palestinian people within the goals and requirements of the OIC. Additionally, the study underscores the importance of the OIC's role in effectively maintaining regional peace and stability.

Keywords: Organization of Islamic Cooperation, Palestine, Occupied Territories, Normalization of Relations, Quiet Annexation.

Received: 2022/04/17 ; **Revised:** 2022/12/19 ; **Accepted:** 2023/01/23 ; **Published online:** 2023/09/21

How To Cite: Tohidi, Ahmad Reza; Hasanjanzadeh, Zahra (2023). Provisions of the Organization of Islamic Cooperation (OIC) Regarding the Normalization of Relations between Some Arab States and the Zionist Regime, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(2), 1-24.
doi.org/10.22091/CSIW.2023.8015.2252

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



ملاحظات سازمان همکاری اسلامی در عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی

احمد رضا توحیدی^۱، زهرا حسن جان زاده^۲

^۱ دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول). legaloffice@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه قم. z.hasanzadeh@gmail.com

چکیده

سازمان بین‌الدولی همکاری اسلامی که همگام با فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد و در راستای حمایت از مبارزات مردم فلسطین، احیای حقوق سلب‌ناپذیر آن‌ها و نیز حفظ صلح جهانی و منطقه‌ای شکل گرفته است، کلیه دولت‌های عضو را ملزم می‌دارد تا به اهداف این سازمان پایبند باشند. درحالی‌که رژیم تبعیض نژادی صهیونیستی طی سال‌های متعددی در تلاش بوده است تا با طرح الحاق آرام سرزمین‌های اشغالی، مرزهای خود را گسترش دهد و پایبندی مشخصی به حداقل حقوق تبیین شده در قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل برای مردم فلسطین قائل نبوده است، برخی دولت‌های عربی منطقه به عادی‌سازی روابط خود با این رژیم مبادرت ورزیده‌اند. مطالعه حاضر با تکیه بر شیوه‌ای توصیفی تحلیلی تلاش کرده تا ابعاد حقوقی بین‌المللی عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی با توجه به ملاحظات سازمان همکاری اسلامی و از منظر حقوق بین‌الملل بررسی شود و از جمله به نادیده گرفتن مقررات حقوق بین‌الملل و الزامات منطقه‌ای از سوی رژیم صهیونیستی و لزوم حمایت از مردم فلسطین توسط سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، در حیطه اهداف و الزامات سازمان پرداخته شد. در همین راستا، بایسته‌های ایفاء نقش موثرتر سازمان در نگاهداشت صلح و ثبات منطقه‌ای نیز تبیین گردید.

کلیدواژه‌ها: سازمان همکاری اسلامی، فلسطین، سرزمین‌های اشغالی، عادی‌سازی روابط، الحاق آرام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
استاد: توحیدی، احمد رضا؛ حسن‌جان‌زاده، زهرا (۱۴۰۲). ملاحظات سازمان همکاری اسلامی در عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۰(۲)، ۱-۲۴. doi.org/10.22091/CSIW.2023.8015.2252

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

بیش از نیم قرن است که رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از اعضای سازمان ملل متحد از اجرای قواعد حقوق بین‌الملل در برابر اعمال تجاوزکارانه خود مصون مانده است. در طی این سال‌ها رژیم صهیونیستی با الحاق آرام سرزمین‌های اشغالی به مرزهای خود و نیز عدم شناسایی وضعیتی مشخص برای این سرزمین‌ها، در عمل از برخورداری میلیون‌ها غیرنظامی فلسطینی از حداقل استانداردهای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، از جمله نقض مقررات ممنوعیت تخریب یا مصادره اموال متخاصم به‌موجب بند (ز) ماده (۲۳) مقررات لاهه^۱ و ممنوعیت غارت بر اساس مواد (۲۸) و (۴۷) ممانعت کرده است (Hague Regulations, 1907: articles 23, 28, 47). در مورد نقض‌های این رژیم همچنین می‌توان به ارتکاب جنایت جنگی به‌رسمیت شناخته شده در منشور محکمه نظامی بین‌المللی نورنبرگ^۲ و جابجایی جزئی یا کلی احصاء شده در کد لیپر^۳ اشاره کرد (Odeh et al., 2020: 16). همزمان این رژیم در برابر مردم سرزمین‌های اشغالی نظام حقوقی دوگانه‌ای را نیز در پیش گرفته است. در این نظام حقوقی دوگانه، شیوه اعمال مقررات بر شهرک‌نشینان با فلسطینیان کاملاً متفاوت است و این خود مصداق بارز تبعیض نژادی و آپارتاید (جدانژادی) محسوب می‌شود (ESCWA, 2017: 45).

از طرفی ممنوعیت الحاق یکجانبه مرزهایی که از طریق زور به دست آمده‌اند نیز یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود (Hofmann, 2020: 2). بسیاری از دادگاه‌های بین‌المللی، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی دیوار حائل و برخی از نهادهای بین‌المللی چون مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت نیز در بسیاری موارد این اصل را تأیید کرده‌اند (ICJ, Construction of a Wall, Advisory opinion, 2003) که قلمروهای مختلفی از حقوق بشر آحاد مردم فلسطینی نقض شده است. به‌طور مثال، شورای امنیت در سال ۱۹۶۵ در مورد اعلامیه استقلال رودزیای جنوبی^۴، طی قطعنامه (۲۱۷) آن را تجاوز به اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود تلقی کرده و این تجاوز را فاقد وجهت قانونی دانسته و در پی اثر انداختن نتایج آن برآمده است (S_RES_217, 1965: Par.3,6). این نکته نیز قابل ذکر است که ماده (۵۲) کنوانسیون حقوق معاهدات که در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسید، سایر دولت‌ها را هم ملزم به عدم شناسایی عمل الحاق به‌عنوان مرز قانونی کشور متجاوز کرده است (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969: article 52). همچنین طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در ماده (۴۰)

1. Hague Regulations, 1907

2. Charter of the International Military Tribunal of Nuremberg, 1945.

3. Lieber Code, 1863.

4. Declaration of Independence of Southern Rhodesia, 1965.

خود به نقض ناشی از نادیده گرفتن قواعد آمره اشاره دارد؛ و در ماده ۴۱ این طرح سایر دولت‌ها را ملزم دانسته تا علاوه بر همکاری جهت خاتمه بخشیدن به این نقض، وضعیت ایجاد شده توسط نقض مهم در چهارچوب معنای ماده (۴۰) را به رسمیت نشناسند و هیچ معاونت یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت نکنند (Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: 40, 41).

در چنین شرایطی و درحالی که تعداد زیادی از محققان حقوق بین‌الملل در ژوئن ۲۰۲۰ میلادی (خرداد ماه ۱۳۹۹)، اقدام رژیم صهیونیستی به اعلام الحاق بخش کرانه باختری بطور یکجانبه و با زور را محکوم کردند، امارات متحده عربی و بحرین در ابعادی بسیار گسترده‌تر از موارد پیشین برای عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل اقدام نموده‌اند (Rasgon & Halbfinger, 2020: Para.2/ Jon Heller, 2020). پس از انعقاد پیمان صلح مصر و اردن در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۹۴ با رژیم اسرائیل، امارات متحده، بحرین، سودان و مراکش نیز در آگوست ۲۰۲۰ (مردادماه ۱۳۹۹) موافقت‌نامه‌ای جهت عادی‌سازی روابط خود با این رژیم امضاء کردند و آن را «معاهدات ابراهیم: موافقت‌نامه صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل»^۱ خواندند. این معاهدات که ماهیت اعلامیه دارند، در حقوق بین‌الملل یا هریک از نظام‌های حقوقی داخلی ایجاد تعهد حقوقی نمی‌کنند و صرفاً ارزش تشویقی دارند. گرچه باید یادآور شد که تنها انتخاب نامی خاص برای یک معاهده نمی‌تواند تعیین‌کننده الزام‌آوری آن باشد و ماهیت الزام‌آور یک معاهده تابع قصد منعقدکنندگان آن است (فلسفی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). ازاین‌رو، نمی‌توان این معاهدات را فاقد هرگونه وزن حقوقی دانست، بلکه تنها برای نقض مفاد آن هیچ ضمانت‌اجرای پرداخت خسارتی در نظر گرفته نشده است (Alter & Janardhan, 2022: 4).

بی‌شک طبق اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، برقراری روابط با سایر کشورها جزء حقوق مسلم دولت‌ها محسوب می‌شود، اما همزمان در حقوق بین‌الملل بر نقش قواعد عام‌الشمول نیز تأکید ویژه‌ای شده است (Report of the ILC, 2019: 141). این قواعد که در زمره تعهدات بنیادین بشری به شمار می‌آیند، نه فقط رضایت قراردادی دولت‌ها، بلکه شرط حضور مؤثر در جامعه بین‌المللی نیز در گرو رعایت آن‌ها است (رستم‌زاد، ۱۳۸۴: ۱۱). این امر مستلزم آن است که دولت‌های منطقه در راستای حمایت از تعهدات عام‌الشمول نقض شده توسط رژیم اسرائیل و همگام با تعهدات جمعی خود نسبت به سازمان همکاری اسلامی که عضو آن هستند و اساسنامه‌ی آن را پذیرفته‌اند، از ایجاد روابط دوستانه با رژیم اشغالگر صهیونیستی خودداری ورزند.

سازمان همکاری اسلامی که در راستای اهداف تعیین شده در منشور سازمان ملل متحد، منطقه‌ای نمودن حل و فصل منازعات و مخاصمات منطقه‌ای، و نیز با هدف حفظ حقوق مردم فلسطین از جمله

1. Abraham Accords Peace Agreement: Treaty of Peace, Diplomatic Relations and Full Normalization

حق تعیین سرنوشت آن‌ها ایجاد گردیده است، کلیه کشورهای عضو را برآن داشته است تا جهت حمایت از حقوق مردم فلسطین همکاری و تشریک مساعی نمایند. این سازمان در حال حاضر با تأسی از سازمان ملل متحد، حفظ صلح و حل اختلافات بین‌المللی را سرلوحه قرار داده و یکی از اهداف مهم آن حمایت از حقوق اقلیت مسلمانان در سراسر جهان است.

همچنین به‌عنوان یک سازمان بین‌الدولی، سازمان همکاری اسلامی تشکیل شده است تا از منافع و حقوق مسلمانان در تمام جهان حمایت کند (The Charter of the OIC, 1972: Introduction). این سازمان به دلیل مبانی اعتقادی مشترک بین اعضای آن، ظرفیت‌های لازم را دارد تا نقش یک نهاد قاعده ساز را در حقوق بین‌الملل منطقه‌ای ایفا کند.

کما اینکه منشور سازمان ملل متحد نیز در فصل هشتم خود به ضرورت حل و فصل اختلافات به شیوه‌ای منطقه‌ای اشاره داشته است و توسعه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی را از طریق قراردادهای یا مؤسسات منطقه‌ای چه به ابتکار کشورهای ذینفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید (The Charter of the United Nations, 1945: Chapter VIII). ذکر این نکته نیز ضروری است که صلح مفهومی دوجبه‌ای به صورت صلح منفی و صلح مثبت است و طبق تصریح منشور سازمان ملل متحد نیل به آن تنها با اتخاذ اقدامات دسته‌جمعی مؤثر و با شیوه‌هایی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر است (The Charter of the United Nations, 1945: Article 1).

نوشتار حاضر در صدد بررسی این واقعیت است که سازمان همکاری اسلامی که بر اساس منافع مشترک میان دولت‌های عضو و دستیابی به صلح منطقه‌ای ایجاد گردیده است، می‌تواند و بایسته است با ایفای نقشی مؤثرتر در مناسبات منطقه‌ای، سبب دستیابی به صلح و ثبات در منطقه و درعین حال حفظ و حمایت از حقوق برحق مردم فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت آن‌ها گردد و در مورد عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی نقشی سازنده‌تر ایفاء نماید. در همین راستا پیامدهای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم اسرائیل برای حقوق مردم فلسطین و وضعیت اشغال از منظر حقوق بین‌الملل و اهداف سازمان همکاری اسلامی، به عنوان یک نهاد مؤثر منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه به نقش کشورهای منطقه و جایگاه مهم سازمان همکاری اسلامی در حفظ صلح و حمایت از حقوق مشروع مردم فلسطین نیز توجه می‌شود. از این منظر پس از ملاحظه اهداف سازمان همکاری اسلامی و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موجود در این سازمان منطقه‌ای، مفاهیم کلی صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و عادی‌سازی در حقوق بین‌الملل بررسی می‌شوند و پس از بیان پیشینه‌ای از اختلافات و تعاملات دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی به تبیین وضعیت اشغال سرزمین و الحاق سرزمین‌ها از سوی این رژیم پرداخته می‌شود.

۱. سازمان همکاری اسلامی: اهداف و عملکرد

در راستای سازکار جهانی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که جزء اختیارات اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد، ترتیبات منطقه‌ای حفظ صلح نیز از طریق ایجاد نهادهای منطقه‌ای ذیل فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است (The Charter of the United Nations, 1945: Chapter VIII). به‌طوری‌که همکاری سازمان‌های منطقه‌ای با سازمان ملل در زمینه حفظ صلح، به‌عنوان یک رویکرد جدید مطرح شده و بر مشارکت این سازمان‌ها در قالب تلاش‌های تکمیلی در کنار فعالیت‌های سازمان ملل و انجام تعهدات مشترک و اتخاذ اقدامات حمایتی تأکید گردیده است. همچنین بند ۱ ماده ۵۳ منشور را می‌توان مبنای حقوقی اقدامات فهری این نهادها و ترتیبات منطقه‌ای دانست (The Charter of the United Nations, 1945: Chapter VIII, Paragraph 1). اگرچه شورای امنیت در قطعنامه‌های خود به‌کارگیری نیروی نظامی را تنها مستند به فصل هفتم منشور ملل متحد کرده است^۱. بر این مبنا، وضعیت‌هایی که ممکن است صلح و امنیت را به مخاطره بیندازند، بهتر است در چارچوب سازکارهای موجود در سازمان‌های منطقه‌ای مدیریت گردند. همچنین به نظر می‌رسد به‌کارگیری راه‌حل‌های منطقه‌ای از جمله رجوع به سازکارهای حقوقی سازمان همکاری اسلامی جهت حل و فصل مسائل مربوط به سرزمین‌های اشغالی فلسطین ابتکارعمل قابل توجهی باشد.

سازمان همکاری اسلامی مشکل از کشورهای اسلامی، از جمله سازمان‌های منطقه‌ای خاورمیانه به‌شمار می‌رود که بر ضرورت تحکیم اتحاد و همبستگی دولت‌های عضو در تامین منافع مشترک خود تأکید دارد (The Charter of the OIC, 1972: Preamble)؛ و در چارچوب فصل هشتم منشور ملل متحد، اصول و اهداف منشور را پذیرفته است. طبق ماده ۵۲ منشور، نقش منطقه‌گرایی به‌طور عام و ترتیبات منطقه‌ای به‌طور خاص، در حوزه صلح و امنیت اهمیت دارد (The Charter of the UN, 1945: Article 52). نیز، بند (۱) ماده (۳۳) منشور، توجه به ترتیبات منطقه‌ای را یکی از شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات به‌شمار می‌آورد (The Charter of the United Nations, 1945: Article 33, Paragraph 1). به موجب فصل هشتم منشور نیز ترتیبات منطقه‌ای بهترین راه حل برای حفظ صلح و امنیت منطقه محسوب می‌شوند (The Charter of the UN, 1945: Chapter VIII).

پیشینه تاسیس سازمان همکاری اسلامی، به ناکامی رادیکالیسم (افراطی‌گرایی) عربی برای آزادی فلسطین، جنگ فاجعه‌آمیز ژوئن ۱۹۶۷، آتش‌سوزی عمدی مسجدالاقصی و همچنین نیاز کشورهای اسلامی به یک تشکل منطقه‌ای با هدف نیل به همگرایی در حوزه‌های متنوع برمی‌گردد. سازمان همکاری

۱. جهت مطالعه بیشتر نک: توحیدی، احمدرضا، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، میزان، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۳۰.

اسلامی در سال ۱۹۶۹ میلادی توسط ۲۴ دولت با مشارکت نماینده مسلمانان هند و سازمان آزادیبخش فلسطین تحت عنوان «سازمان کنفرانس اسلامی» تشکیل گردید. از اهداف اولیه تشکیل این سازمان، تقویت همبستگی میان مسلمانان بود. فعالیت‌های سازمان در دهه‌های نخست بیشتر بر مسأله فلسطین، حفظ و حمایت از مکان‌های مقدس مسلمانان و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان دولت‌های عضو متمرکز بود (بزرگمهری، محمدخانی، نعمتی، ۱۳۹۵: ۲۵). تعداد اعضای این سازمان در حال حاضر ۵۷ عضو از اکثر قاره‌های جهان است. این سازمان، تنها نهاد بین‌المللی دولتی-مذهبی در جهان امروز است که هدف آن همکاری گسترده میان دولت‌های عضو، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (The Charter of the OIC, 1972, Preamble: Par. 8).

سازمان همکاری اسلامی به دلیل مبانی اعتقادی مشترک بین اعضای آن می‌تواند نقش یک نهاد قاعده ساز را در حقوق بین‌الملل منطقه‌ای ایفا کند. به موجب منشور این سازمان، کلیه دولت‌های عضو ملزم هستند در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشارکت نمایند و طبق مقررات منشور سازمان ملل و این منشور، از مداخله در امور داخلی یکدیگر امتناع کنند. همچنین در منشور سازمان بر التزام به حقوق بین‌الملل و مقررات مندرج در منشور تأکید شده و هدف اصلی سازمان حفظ اتحاد و همکاری بین اعضا بیان شده است (The Charter of the OIC, 1972, Preamble: Par. 2, 3). همچنین حوزه‌های دارای اولویت برای سازمان، حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای عنوان شده‌اند. یکی از مواردی که به‌صراحت در مقدمه اساسنامه سازمان ذکر شده حمایت از مقاومت مردم فلسطین برای سرزمین‌شان است که در حال حاضر تحت اشغال قرار دارد. کمک به تشکیل دولت مستقل فلسطینی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (The Charter of the OIC, 1972: Article1: Par. 8).

۱-۱. رویکرد سازمان در مسأله فلسطین

در واقع اختلافات فلسطین و اسرائیل نیروی محرکه ایجاد سازمان همکاری اسلامی در سال ۱۹۶۹ بود. این مسأله دارای چنان اهمیتی در میان اعضا بود که بخش مهمی از متن اساسنامه‌ی سازمان را به خود اختصاص داده است. چنانچه به طور مثال در ماده (۱) منشور سازمان اشاره شده که سازمان و اعضا آن تلاش می‌کنند تا حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و ویژگی اسلامی و تاریخی قدس شریف مورد خدشه قرار نگیرد (Charter of the OIC, 1972: Article1).

سازمان همکاری اسلامی از زمان تأسیس خود وقت و منابع بیشماری را صرف مسأله فلسطین و نیز مسائل میان اعراب با اسرائیل نموده است. پیش از این نیز سازمان حل اختلافات میان اعضا یا اختلافات میان کشورهای عضو با سایر کشورهای غیرعضو را در دستور کار خود داشته است. از این حیث سازمان تا حدود زیادی مواضع سیاسی خود را دارا بوده و در مورد حقوق مردم فلسطین بارها اعلام موضع کرده

است (Kayaoglu, 2015: 62). به طوری که در پی جنگ ۱۱ روزه غزه^۱ نیز، دبیرخانه عمومی سازمان همکاری اسلامی از ایجاد آتش بس استقبال و جامعه جهانی را به یافتن راه حل های صلح آمیز جهت پایان بخشیدن به اشغال سرزمین های فلسطینی دعوت نمود. همچنین از جامعه جهانی و شورای امنیت خواست تا جهت پایان بخشیدن به این مناقشه و ایجاد یک کشور مستقل و دارای حق حاکمیت راه حلی بیابند (OIC, adherence to ceasefire in Gaza Strip, 2021: Par2).

یکی از بخش های فرعی سازمان همکاری اسلامی، کمیته دائمی قدس شریف است که هدف آن پیگیری اجرای قطعنامه های تصویب شده توسط سازمان و سایر سازمان های بین المللی حامی مواضع سازمان در مسأله فلسطین است. همچنین ارائه پیشنهادات و توصیه های لازم به کشورهای عضو در مورد اجرای قطعنامه ها، دستیابی به اهداف تعیین شده و برداشتن گامی مؤثر در جهت پیشرفت در مسائل ارجاع شده و نیز اجرای تمامی قطعنامه های صادره در زمینه مناقشه اعراب با اسرائیل و مرتبط با مسأله قدس و مخاصمات مربوط به آن از دیگر وظایف این کمیته محسوب می گردند. طبق ماده (۱۸) منشور سازمان همکاری اسلامی، یکی از چهار دستیار دبیرکل سازمان به امور فلسطین و اورشلیم اختصاص داده شده است (The Charter of the OIC, 1972: Article18). و نیز مطابق با ماده (۲۱) منشور تأکید شده است که محل استقرار دفتر مرکزی سازمان تا زمان آزادسازی شهر قدس شریف در جده عربستان خواهد بود. علاوه بر چندین آژانس سازمان که به امور فلسطین اختصاص داده شده است، منشور از تمامی کمیته های سازمان می خواهد تا موضوع فلسطین را در دستور کار خود داشته باشند (The Charter of the OIC, 1972: Article21).

علیرغم محوریت موضوعات فلسطینی برای سازمان، نتیجه این تلاش اما چندان چشمگیر نبوده است. نگاهی به وظایف و عملکرد کمیته این مسأله را به خوبی روشن می سازد که با توجه به تصریح در منشور سازمان و نیز اهداف مشخص شده برای کمیته قدس شریف، این کمیته در مسائل کنونی فلسطین رویکرد خاصی اتخاذ نکرده و نقش موثر و فعالی در این زمینه ایفاء ننموده است. از این واقعیت نیز نباید غافل ماند که گرچه برنامه عمل سازمان، بازتاب و خوانشی از اهداف و اصول ملل متحد است، درعین حال سازمان همکاری اسلامی فاقد ابتکار درونی بایسته برای حل بحران های منطقه ای اسلامی است (میر محمدی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). به طوری که شرایط مردم فلسطین پس از تشکیل سازمان همکاری اسلامی نیز همچنان روند نزولی خود را طی کرده و رژیم صهیونیستی نیز مناطق بیشتری را تحت اشغال خود در آورده است.

البته سازمان همکاری اسلامی همواره نسبت به حل مسأله فلسطین توجه خاصی مبذول داشته است. شایان ذکر است، سازمان نقشی فعال در صدور برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل داشته که تاحدودی اسرائیل را از اِعمال کنترل بر نواحی قدس شرقی و مرزهای اشغالی فلسطین بازداشتته‌است. بیش از هر بازیگر سیاسی دیگری، این سازمان سبب ایجاد یک جریان قوی طرفدار فلسطین در میان کشورهای مسلمان شده است. این سازمان اعضای خود را بسیج کرده است تا دولت‌هایی را که از مواضع طرفداری از فلسطین منحرف شده‌اند یا جهت بهبود روابط خود با اسرائیل تلاش کرده‌اند، حتی در مواردی با تحمیل فشارهای اقتصادی متنبه کند. پس از پیمان صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹، سازمان عضویت مصر را تعلیق کرد و این کشور را به خیانت علیه مصالح فلسطینیان متهم نمود. قطعنامه سازمان از تمامی اعضاء درخواست نمود تا از ارائه هرگونه کمک‌های مالی به مصر خودداری ورزند (OIC, 1979: Resolution No. 18/10-P). همچنین در سال ۱۹۹۷ در اجلاس سران کشورهای اسلامی، اقدام ترکیه مبنی بر مانور نظامی مشترک با اسرائیل مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت (Spokesman Review, 1997: Par. 1). به‌علاوه، سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۰۰ و در آستانه اجلاس سران کشورهای اسلامی در دوحه، دفتر تجاری اسرائیل در قطر را تعطیل کرد (Kayaoglu, 2015: 65). بی‌تردید سازمان نیز با وجود جنایات مکرر صهیونیست‌ها و هدف راهبردی این رژیم جهت اشغال مناطق بیشتر و عدم شفاف‌سازی مسأله اشغال در منطقه، باید در این مسأله رویکرد جدی‌تری اتخاذ کند. آنچه مسلم است آن‌که کارآمدی بیشتر این سازمان تنها در پرتو وجود نهادی قوی، سازکارهای اجرایی صحیح، اتخاذ تصمیم‌ها و تصویب اسناد حقوقی کارآ، استفاده از ظرفیت‌های قانونی این سازمان جهت حل اختلافات و وضعیت‌های خاص منطقه‌ای و اراده مشترک اعضاء آن امکان‌پذیر است.

۲. مفهوم صلح و عادی سازی در حقوق بین‌الملل

پس از سال ۱۹۴۵ میلادی، قواعد مربوط به روابط میان دولت‌ها دستخوش تغییراتی اساسی شد (Higgins, 2009: 903). در حالی که حقوق بین‌الملل به طور سنتی شروع جنگ را از اختیارات حاکمیتی دولت‌ها می‌دانست، سازمان ملل متحد، چنان‌چه در مقدمه منشور نیز به آن اشاره شده است، هدف بنیادین خود را حمایت از نسل‌های آینده از «بلائی خانمان سوز»^۱ جنگ قرار داد (The Charter of the United Nations, 1945: Introduction). براین اساس، سازمان ملل متحد تلاش کرده است تا هرگونه بروز مخاصمه میان دولت‌ها را تا حد ممکن محدود سازد و بر ترویج صلح پایدار و ایجاد رابطه دواستانه میان کشورها اصرار ورزد. در این راستا، بند اول ماده نخست منشور نیز بر حفظ

1. Scourge of War

صلح و امنیت بین‌المللی و اتخاذ اقدامات دسته جمعی مؤثر جهت برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح شود، با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق عدالت تأکید داشته است (The Charter of the United Nations, 1945: Article 1, Paragraph 1). در بند (۳) ماده (۲) منشور نیز بر ضرورت حل و فصل اختلافات میان اعضاء از طرق مسالمت‌آمیز و به خطر نیفتادن صلح و امنیت بین‌المللی و برقراری عدالت تأکید شده است؛ این نشان از توجه ویژه به مقوله صلح در میان اعضاء سازمان ملل متحد و در حقوق بین‌الملل دارد.

اما صلح، مفهومی دو وجهی است که دو مصداق صلح مثبت و صلح منفی را در برمی‌گیرد؛ این مفهوم در معنای ابتدایی خود به معنی «نبود جنگ» است و در اصطلاح به نبود مخاصمه نظامی مستقیم اطلاق می‌شود. هانس کلسن^۱ در تعریف خود از صلح بیان می‌کند «صلح وضعیتی است که در آن کاربرد زور نباشد» (Kelsen, 1944: 3). این همان مصداق صلح منفی است. اما صلح مثبت مفهومی گسترده‌تر دارد. صلح مثبت به صلح ساختاری اجتماعی نسبت داده می‌شود که نیازهای انسانی چون بقاء، رفاه و آزادی را تأمین می‌کند. چنانچه تحقق عدالت نیز در گرو ایجاد صلح ساختاری است (Standish et al., 2022: 5).

شرط تحقق صلح مثبت که در مقایسه با صلح منفی مفهومی متریقی تر محسوب می‌شود، «همزیستی مسالمت‌آمیز^۲» میان دولت‌ها است. همزیستی مسالمت‌آمیز که پس از معاهده چینی - هندی پنج‌شیل^۳ سال ۱۹۵۴ میلادی میان چوان لای^۴ و جواهر لعل نهرو در ادبیات حقوق بین‌الملل مطرح شد، پنج اصل مهم در راستای صلح بین‌المللی را در برمی‌گیرد. این اصول عبارتند از: احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها، عدم تجاوز به خاک کشور دیگر، عدم مداخله در امور داخلی کشور دیگر و برابری و تفوق متقابل. بعدها این اصول به همین صورت یا به صورت تلویحی در مباحث حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و مقوله ایجاد صلح در بخش‌های ششم و هفتم منشور سازمان ملل متحد نیز گنجانده شدند (McWhinney, 1962: 953). اما رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل خود بر اساس یک رژیم تبعیض نژادی و برتری جویی دینی شکل گرفته است و در طی این سال‌ها هرگز حاضر به همزیستی مسالمت‌آمیز و رعایت حقوق برابر فلسطینیان نبوده است. چنانچه قوانین و مقررات داخلی اسرائیلی، نهادهای موجود، برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌های امنیتی آن نیز گویای همین مطلب هستند (ESCWA, 2017: 36). همچنین اشغال نظامی که قهرآمیز بودن از خصایص ذاتی آن است و بارزترین

1. Hans Kelsen

2. Peaceful Coexistence

3. Sino-Indian Pancha Shila Agreement of 1954

4. Chou En Lai

نمونه آن اشغال سرزمین های فلسطینی توسط رژیم اسرائیل است، یکی از مصادیق توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت هاست و از دیدگاه منشور ملل متحد ممنوع است (سیاه رستمی، ۱۳۹۴: ۲۱).

گستره مفهوم صلح بسیار است اما در خصوص یکی از موارد نقض صلح توسط رژیم صهیونیستی، می توان به گزارش منتشر شده اولین کمیته اجرایی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای غرب آسیا^۱ در سال ۲۰۱۵ میلادی در عمان اشاره کرد که بر اساس آن رژیم صهیونیستی بر مردم فلسطین تبعیض نژادی^۲ یا آپارتاید (جدانژادی)^۳ را اعمال می کند؛ تا حدی که می توان آن را برابر با جنایت علیه بشریت دانست و در حقوق بین الملل عرفی از آن به عنوان نقض قواعد آمره یاد می شود (ESCWA, 2017: 6-7). بی شک جامعه بین المللی و به طور ویژه سازمان ملل متحد و کارگزاری های وابسته به آن و دولت های عضو متعهدند که در حدود توانایی های خود برای پیشگیری و مجازات موارد تبعیض نژادی اقدام کنند. همچنین تعهد خاص دولت ها در این مسأله الف) عدم شناسایی و قانونی تلقی کردن یک رژیم تبعیض نژادی؛ ب) یاری نرساندن به رژیم تبعیض نژادی در ادامه اعمال جنایتکارانه خود و ج) همکاری با سازمان ملل متحد در پایان دادن به رژیم تبعیض نژادی است. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (جدانژادی)^۴ نیز با تاکید بر اینکه آپارتاید جنایتی علیه بشریت محسوب می شود و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی به شمار می آید، دولت ها را متعهد دانسته است که در سطح ملی خود برای سرکوب، پیشگیری و مجازات موارد آپارتاید از طریق اقدامات قانونی، پیگرد قانونی و رسیدگی های قانونی در هر دادگاه ملی صالح اقدام کنند (Apartheid Convention, 1973: Introduction). عبارت «عادی سازی»^۵ که ریشه در علوم سیاسی و روابط بین الملل دارد، در اصطلاح به شرایطی گفته می شود که در آن دو طرف مخاصمه پس از جنگ یا اختلاف نظر، ارتباطات دوستانه ای با یکدیگر برقرار سازند. عادی سازی را همچنین می توان ابزاری جهت ایجاد اعتماد دوجانبه میان کشورها و یافتن منافع مشترک میان آن ها در دستیابی به صلح مثبت دانست؛ راهبردی که بر موضوعات ساختاری تمرکز دارد و هدف آن بهبود روابط میان بازیگران از طریق برقراری ارتباطات دیپلماتیک، همکاری در زمینه مسائل اقتصادی، ترتیبات امنیتی و سایر امور است (Hitman & Kertcher, 2018: 47). هر چند در ادبیات سیاسی بین المللی معاصر، در مورد مفهوم دقیق و گستره معنایی عبارت «عادی سازی» اختلاف نظر وجود دارد،

1. the United Nations Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA)

2. Racial Discrimination

3. Apartheid

4. International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid, 1973.

5. Normalization

اما می‌توان گفت عادی‌سازی ابزاری است که می‌تواند سبب اعتمادسازی و ایجاد منافع مشترک میان کشورها بشود و در نهایت موجب امضاء معاهدات صلح شود. گرچه عادی‌سازی روابط لزوماً به این معنا نیست که تمامی مسائل میان دو کشور حل و فصل شده است، اما بیشتر می‌توان گفت نشانه تمایل به ایجاد آرامش در روابط میان دو یا چند کشور است. از منظر حقوق بین‌الملل حق حاکمیت کشورها و نیز حق تعیین سرنوشت آن‌ها ایجاب می‌کند تا دولت‌ها در ارتباطات بین‌المللی خود با سایر کشورها از آزادی اراده و عمل برخوردار باشند. نظر به اینکه بر اساس ماده (۲) منشور سازمان ملل متحد، بر حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی سایر کشورها تأکید شده است، اختیار دولت‌ها مبنی بر شناسایی یا عدم شناسایی یک حکومت به عنوان پیش شرط ایجاد رابطه با آن کشور از شؤون حاکمیتی دولت‌ها محسوب می‌شود؛ چنانچه کنوانسیون مونته‌ویدئو نیز در مواد (۶) و (۷) خود به این موارد اشاره کرده است (Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, 1933: Articles 6, 7). از این رو به رسمیت شناختن یک دولت یا حکومت و ایجاد رابطه با آن یک امر کاملاً اختیاری است (The Charter of the United Nations, 1945: Article 1, Paragraph 3).

در عین حال با توجه به تأکید منشور سازمان ملل بر موضوع صلح و اسناد مربوط به اعمال تبعیض نژادی و آپارتاید (جدانژادی) توسط رژیم اشغال‌گر قدس، ایجاد ارتباط و عادی‌سازی روابط با رژیمی که سبب تضرر به دولت دیگر شده باشد، یا رژیمی که موجب به مخاطره انداختن صلح، امنیت و ثبات منطقه شود، مسأله‌ای تأمل‌برانگیز است (ESCWA, 2017: 6-7). حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که از مهم‌ترین اهداف منشور ملل متحد است، جز از رهگذر حفظ صلح منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست و اسرائیل بارها با ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و نقض قواعد حقوق بین‌الملل، موجب به مخاطره افتادن صلح و امنیت منطقه شده است؛ چنانچه پیش‌تر نیز به نمونه‌هایی از این نقض‌ها اشاره گردید. در موارد متعددی این مسأله توسط شورای امنیت، به عنوان مرجع اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ در قطعنامه‌های شورای امنیت، همچنین بر حق مردم فلسطین بر سرنوشت خود تأکید شده و از تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با همکاری دولت‌های ذی‌نفع در پایان دادن عادلانه و مسالمت‌آمیز اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی استقبال شده است. اما در عمل، عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی با اسرائیل موجب نادیده گرفته شدن و نقض حقوق مردم فلسطین بوده است.

۱. قطعنامه‌های ۲۴۲ (۱۹۶۷)، ۳۳۸ (۱۹۷۳)، ۱۳۹۷ (۲۰۰۲)، ۱۵۱۵ (۲۰۰۳) و ۲۳۳۴ (۲۰۱۶) بخشی از این قطعنامه‌ها هستند که در آنها بر لزوم حل اختلافات تأکید شده است. برای توضیحات تکمیلی در این زمینه مراجعه گردد به:

۳. پیشینه تعاملات کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی

طی سال‌های متمادی مناقشه میان اعراب و رژیم صهیونیستی به یکی از شاخص‌ترین عرصه‌های تنش منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده بود. از آغاز ادعای تشکیل رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸ میلادی تاکنون، جنگ‌های زیادی میان کشورهای عربی و اسرائیل روی داده است. طی این جنگ‌ها بخش‌های زیادی از سرزمین‌های کشورهای چونی سوریه، اردن، لبنان و فلسطین به تصرف رژیم اسرائیل درآمد و این رژیم همواره رویکردی تجاوزکارانه در پیشبرد اهداف خود و اشغال مناطق بیشتری از سرزمین‌ها را پیش داشته است (Lynk & Aakram, 2013: 2). توضیح آن‌که حتی مرزهای این رژیم از سال ۱۹۶۷ نیز تغییر کرده و اسرائیل مناطق بیشتری را اشغال نموده است و در عین حال این رژیم تنها عضو سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد که مرزهای مشخصی اعلام نکرده است (Kamel, 2020: Para. 2).

حدود نیم قرن است که رژیم اسرائیل بر مناطق کرانه باختری و نوار غزه اعمال زور می‌کند. حضور این رژیم در مناطق یاد شده یکی از طولانی‌ترین اشغال‌های نظامی پایدار در تاریخ نوین قلمداد می‌شود. گرچه میزان و درجه این اشغال نظامی تغییراتی داشته است، اما کنترل مؤثر بر مرزهای اشغالی فلسطین از زمان جنگ‌های شش روزه سال ۱۹۶۷ میلادی و بر جمعیت ساکن آن نقطه همواره با این رژیم بوده است. نقض فاحش حقوق بشردوستانه مقرر در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو و همچنین پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ از جمله نقض اصل تفکیک، تناسب، منع درد و رنج غیرضروری، کاربرد سلاح ممنوعه، قتل عام گسترده غیرنظامیان، نقض حمایت‌های خاص از کودکان، زنان و گروه‌های امدادی و بیمارستان‌ها، منع دسترسی به کمک‌های انسانی و ایجاد مانع فراروی اقدامات آن‌ها، استفاده از محاصره برای به قحطی کشاندن مردم غیرنظامی به عنوان روش جنگی، تخریب گسترده اماکن مسکونی و محیط زیست و نظایر آن، از بارزترین نمادهای ارتکاب «جنایت جنگی» توسط ارتش رژیم صهیونیستی است (Maurer, 2012: 1507).

بر این اساس که قدس شریف از لحاظ تاریخی از مکان‌های مقدس مشترک میان تمامی مسلمانان محسوب می‌شود و اشغال و یهودی‌سازی آن مغایر با اعتقادات تمامی مسلمانان است، بسیاری از کشورهای اسلامی از همان ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی به عدم شناسایی و نیز منع هرگونه روابط سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک با این دولت اقدام کردند. البته ارتباطات و تماس‌های دولت‌های عرب با اسرائیل در عمل پیشینه‌ای طولانی دارد.

در حقیقت، توافقات امضاء شده و دیدارهای رسمی اعراب-اسرائیل تقریباً به زمان تشکیل رژیم صهیونیستی، با قراردادهای متارکه جنگ ۱۹۴۹، باز می‌گردد (ملکی، محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۳).

مصر نخستین کشور عربی بود که به‌طور رسمی در سال ۱۹۷۸ با رژیم صهیونیستی پیمان صلح کمپ

دیوید^۱ را امضاء کرد و پس از آن اردن نیز در سال ۱۹۹۴ پیمان صلحی با اسرائیل^۲ امضاء نمود و به ۴۶ سال جنگ میان دو طرف پایان داد (Lyne & Aakram, 2013: 33). پس از سالها تداوم اشغال سرزمین‌ها و ادامه روند نقض حقوق مردم فلسطین توسط این رژیم، در آگوست ۲۰۲۰ میلادی (مرداد ماه ۱۴۰۰)، توافقنامه‌ی صلحی میان کشور امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی منعقد شد که ابعادی بسیار گسترده‌تر از توافقات قبلی دولت‌های عربی با اسرائیل را دربرمی‌گرفت و سبب ایجاد تحولاتی در مناسبات منطقه‌ای کشورها و نیز روابط میان دولت‌های عربی و رژیم اسرائیل گردید. این پیمان که توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا توافقی تاریخی اعلام شد، در زمینه همکاری‌های دو کشور در حوزه هواپیمایی، لغو روادید و حمایت از سرمایه‌گذاری و فن‌آوری سلامت، کشاورزی، گردشگری، انرژی، حفاظت محیط زیست و... میان دو طرف بود؛ این موافقت‌نامه، عادی‌سازی روابط را تا سطح شهروندان گسترش می‌دهد (Abraham Accords, 2020: 3). نکته قابل تامل در مورد موافقت‌نامه یادشده این است که امارات متحده عربی و اسرائیل تقابلی با یکدیگر نداشته‌اند و در وضعیتی جنگی به سر نمی‌برده‌اند، که اکنون توافق صلح میان آن‌ها منعقد گردد. بنابراین، به‌کارگیری واژه صلح برای این اعلامیه و عادی‌سازی روابط تا سطح شهروندان بیشتر اقدامی مبالغه‌آمیز بوده است. به نظر می‌رسد مفهوم مورد نظر طرفین بیشتر گذار از صلح منفی به سوی صلح مثبت بوده است. اماراتی‌ها این توافق را زمینه‌ساز توقف دائم الحاق سرزمین اشغالی کرانه باختری دانستند، درحالی‌که نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی تنها به تعویق موقت الحاق اشاره نمود و به سرعت اعلام کرد که از طرح الحاق کوتاه نخواهد آمد. از این رو می‌توان گفت این توافق دست‌آوردی برای فلسطینیان به‌همراه نداشته است و مخالفت کشورهای منطقه که شاید یکی از تنها ابزارهای بین‌المللی موجود در جلوگیری از رفتارهای تبعیض‌آمیز و اعمال ناقض حقوق بین‌الملل رژیم صهیونیستی بود نیز از بین رفته است.

همزمان با امارات متحده عربی، بحرین نیز توافقنامه‌ای با این رژیم امضاء کرد و گفته می‌شود سودان نیز در ازای خروج نام این کشور از فهرست کشورهای حامی تروریسم، روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی نمود (USA Today, 2020: Para. 1). همچنین گفته شده کشور مراکش نیز در ازای به رسمیت شناخته شدن ادعای حاکمیت مورد مناقشه خود بر صحرای غربی توسط ایالات متحده، عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی را مورد پذیرش قرار داده است (Gordon, 2020: Para. 3).

مساله مهم این توافقات، نادیده گرفتن حقوق مردم فلسطین نسبت به سرزمین‌های اشغالی و مشروعیت بخشی به اعمال تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در منطقه، و مغایرت آن‌ها با اهداف سازمان

1. Camp David Accords, 1978

2. Treaty of Peace between the State of Israel and the Hashemite Kingdom of Jordan, 1994

همکاری اسلامی است. در واقع نمی توان به شروع عادی سازی روابط با اسرائیل و امضاء توافق چندان خوش بین بود، چراکه بیشتر به نظر می رسد تلاشی برای دور زدن قوانین از سوی رژیم اسرائیل باشد. به عقیده گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در مرزهای فلسطینی، اگر توافق صلحی هم انجام می پذیرفت، می بایست همان پنج اصل مهم برای صلح بین المللی نیز مورد توجه قرار می گرفتند؛ همچنین به دلیل عدم وجود توازن قوا میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان، دخالت جامعه بین المللی در این مساله غیرقابل اجتناب می نماید (Human Rights Council, 2022: 10).

۱-۳. وضعیت اشغال و تعلیق الحاق سرزمین های اشغالی

آوارگان فلسطینی طی دهه ها از حقوق اولیه و به حق خود محروم مانده اند، رژیم اسرائیل نظام حقوقی دوگانه ای را نیز در مورد حقوق شهروندان ساکن در این سرزمین ها در پیش گرفته است. در این نظام حقوقی دوگانه، شیوه اعمال مقررات بر شهرک نشینان با فلسطینیان کاملاً متفاوت است. مقررات حاکم بر شهرک نشینان یهودی، بر اساس قوانین اداری و مدنی است و جمعیت فلسطینی بر اساس قوانین و مقررات نظامی اداره می شوند (ESCWA, 2017: 45). از سال ۱۹۶۷ میلادی فلسطینیان با تبعیض نژادی آشکاری در چهار منطقه مختلف در اراضی اشغالی زیسته اند. این مناطق چهارگانه عبارتند از ۱- منطقه اول ۱/۷ میلیون فلسطینی را در خود جای می دهد و شهروندان منطقه اسرائیلی نشین هستند. این افراد در گذشته تحت قوانین نظامی نگهداری می شدند و هم اکنون نیز به دلیل یهودی نبودن تحت رژیم تبعیض نژادی هستند. ۲- در منطقه دوم و در قسمت شرقی قدس شریف حدود سیصد هزار فلسطینی ساکن هستند که از لحاظ دسترسی به آموزش، خدمات بهداشتی و سلامت، اشتغال، حقوق شهروندی و ساخت و ساز در شرایط نابرابر و تبعیض آمیزی به سر می برند. این دسته از ساکنین دائمی بیت المقدس از هیچ گونه حقوقی در برابر قوانین و مقررات رژیم صهیونیستی برخوردار نیستند و همواره خطر اخراج از سرزمین اشغالی آن ها را تهدید می کند. ۳- در منطقه سوم، بر جمعیتی حدود ۴/۶ میلیون نفر فلسطینی قوانین نظامی حاکم است. از این جمعیت حدود ۲/۷ میلیون نفر در کرانه باختری و ۱/۹ میلیون نفر در نوار غزه ساکن هستند. تمامی تعاریف موجود در کنوانسیون آپارتاید در این منطقه قابل مشاهده است و تمامی عناوین اعمال غیر انسانی به طور مداوم و نظام مند توسط رژیم صهیونیستی بر این منطقه اعمال می شود. فلسطینیان این منطقه تحت قوانین نظامی اداره می شوند و تنها جمعیت حدود سیصد و پنجاه هزار یهودی صرف نظر از شهروند اسرائیلی بودن یا خیر تحت قوانین حقوق مدنی هستند (ESCWA, 2017: 5). این نظام دوگانه حقوقی خود نشان بارزی از وجود تبعیض نژادی و نقض ماده (۲) کنوانسیون تبعیض نژادی در این منطقه است (Apartheid Convention, 1973: article II).

براساس نظریه کنترل مؤثر در چارچوب موازین حقوق بین الملل، رژیم اسرائیل با اعمال اقتدار و حاکمیت نظامی و حضور فیزیکی مؤثر در سرزمین فلسطین، قدرت اشغال گر محسوب می شود و

حاکمیت واقعی نیروهای نظامی آن بر سرزمین‌های اشغالی فلسطینی توسط نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد احراز شده است (Maurer, 2012: 1504). از این رو، این رژیم به‌عنوان قدرت اشغالگر دست کم موظف به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه‌ی مردم فلسطین مورد اشاره در اسناد بین‌المللی، از جمله قواعد (۴۲) و (۴۳) منضم به کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در باب اشغال سرزمین و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در مورد غیرنظامیان و رعایت حقوق مربوط به آن است و مسئولیت حمایت از جمعیت تحت سلطه خود را بر عهده دارد؛ (نوروزی، ۱۳۹۴: ۱۲) گرچه در عمل قادر نبوده یا نخواسته است که از مردم این سرزمین‌ها حمایت کند و خود ناقض حقوق بشر و بشردوستانه بوده است (آخوندان، ۱۳۹۰: پاراگراف ۴).

از سوی دیگر نقض حقوق آوارگان از سوی قدرت اشغالگر یا ممانعت از ورود و پذیرش آنان به کشورشان در شرایط اضطراری، ناقض تعهدات بین‌المللی قدرت نظامی خاطی تلقی شده و می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی آن رژیم را نیز فراهم سازد (جاسبی، هاشمی، محبی، ۱۳۹۸: ۷۸). از این منظر نیز جامعه جهانی بارها شاهد نادیده انگاشتن حقوق مردمان فلسطین بوده است.

«الحاق»^۱ که عبارت است از تصرف اجباری سرزمین توسط یک قدرت دیگر، از لحاظ مفهومی ارتباط نزدیکی با ممنوعیت استفاده از زور و حفظ تمامیت ارضی کشورها دارد که در بند (۴) ماده (۲) منشور سازمان ملل متحد مورد تصریح قرار گرفته است. بنابراین الحاق را می‌توان شکلی از تصرف غیرقانونی سرزمین دانست. غیر از اشاره منشور سازمان ملل متحد، در حقوق بین‌الملل عرفی نیز تا حد قواعد آمره و الزام‌آور به ممنوعیت الحاق سرزمین‌هایی که به زور تصرف شده قابل مشاهده است (Bering, 2017: 758). به علاوه، به تصریح کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات سایر دولت‌ها نیز ملزم به عدم شناسایی عمل الحاق به‌عنوان مرز قانونی آن کشور هستند (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969: article 52). همچنین باید یادآور شد در مواد (۴۰) و (۴۱) طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل، سایر دولت‌ها نیز به همکاری جهت خاتمه بخشیدن به نقض ناشی از نادیده گرفتن قواعد آمره، به رسمیت نشناختن وضعیت ایجاد شده توسط نقض مهم در چهارچوب معنای ماده (۴۰) و عدم معاونت یا مساعدتی در حفظ آن نقض ملزم شناخته شده‌اند (Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: 40, 41).

در مورد اعلامیه همکاری میان دولت‌های عربی و رژیم اسرائیل باید توجه داشت اگر رژیم صهیونیستی روند الحاق را به حالت تعلیق درآورد، دلیل عمده آن این است که برای مقامات اسرائیلی آسانتر است «الحاق آرام» خود را به جای الحاق رسمی (هر چند انتخابی) ادامه دهند و شاهد اعتراضات

و مشکلات کمتری باشند. فلسطینی‌ها «الحاق آرام» اسرائیل را برای دهه‌ها تحمل کرده‌اند، و اسرائیل این روند را از طریق ابزارهایی مانند عدم دسترسی عادلانه به آب، رد ۹۸ درصدی درخواست اجازه ساخت فلسطین در منطقه «سوم» کرانه باختری و ماندگاری نظام حقوقی دوگانه، جایی که شهرک نشینان توسط قانون مدنی اسرائیل اداره می‌شوند و فلسطینیان تابع دادگاه‌های نظامی هستند و میزان محکومیت آن‌ها در این دادگاه‌ها تقریباً صد درصدی گزارش شده است، ادامه می‌دهد. همچنین مقامات اسرائیلی تأمین سرمایه خود را از منابع فلسطینی ادامه خواهند داد؛ به‌طوری‌که امروزه حدود ۹۴ درصد از مواد تولید شده توسط معادن اسرائیلی از کرانه باختری به اسرائیل منتقل می‌شود و بخش قابل توجهی از زباله‌های اسرائیلی در کرانه باختری دفن می‌شود (Kamel, 2020: Para. 3). این سیاست‌ها و انبوه سیاست‌های مشابه، با عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات یا هر کشور عربی دیگر یا بدون آن ادامه خواهد یافت (de Rivière, 2019: Para. 3).

ایجاد وقفه در الحاق به صورت رسمی دارای مزایای زیادی برای اسرائیل است - از جمله گشودن درهای انرژی جدید، فن‌آوری و فرصت‌های گردشگری بین امارات و اسرائیل - اما مهم‌تر از همه، متوقف کردن این روند باعث موفقیت اسرائیل در این مسأله می‌شود که وانمود کند اشغال کرانه باختری موقتی است. گرچه تحولات بعد از توافقنامه‌ی اسلو^۱ یعنی طرح صلح نقشه‌ی راه، شناسایی دولت فلسطین توسط یونسکو، مجمع عمومی و دیوان بین‌المللی کیفری و همچنین رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دیوار حائل، مؤید اشغال کرانه‌ی باختری توسط اسرائیل است (منفرد، طباطبایی، ۱۳۹۹: ۶۱۷-۶۳۶)؛ اما اسرائیل همواره از شفاف‌سازی در خصوص این مسأله خودداری ورزیده است. فرآیند عادی‌سازی همچنین اسرائیل را از الزام به شفاف‌سازی این که حضور فزاینده از مرزهای سال ۱۹۶۷ نمایانگر اشغال است یا خیر نسبت به جامعه بین‌المللی و همه طرف‌های درگیر حفظ می‌کند.

بیان موضع رسمی در این باره به معنای این خواهد بود که مقامات رژیم صهیونیستی سرانجام آماده هستند تا مسئولیت میلیون‌ها غیرنظامی تحت کنترل خود را به طور کامل یا عمده برعهده بگیرند. در حقیقت، اگر حضور اسرائیل به منزله اشغالگری نباشد، فلسطینیان نمی‌توانند تابع قدرت نظامی باشند که به گفته ایال بنونیستی^۲، «مطابق با چارچوب قواعد مربوط به اشغال»، یک دولت نظامی متمایز را در مناطق اشغالی ایجاد کرده است (Benvenisti, 2012: 137). اگر حضور رژیم صهیونیستی فزاینده از مرزهای ۱۹۶۷ اشغال محسوب شود، اسرائیل باید اعمال و پایبندی به مفاد کنوانسیون چهارم لاهه، از جمله ممنوعیت انتقال غیرنظامیان به سرزمین‌های اشغالی را رعایت کند

1. Israeli-Palestinian Interim Agreement on the West Bank and the Gaza Strip

2. Eyal Benvenisti

(Kamel, 2020: Para.5). با نظر به اینکه در حقوق بین الملل، ضمانت اجراهای محکمی برای دولت‌های ناقض این حقوق وجود ندارد و بیشتر اراده جمعی دولت‌هاست که می‌تواند مانع از ادامه‌ی نقض و ادا شدن دولت خاطی به رعایت برخی از حداقل حقوق مردم سرزمین‌های اشغالی گردد، نقش دولت‌های منطقه در این خصوص بسیار تاثیرگذار و مهم تلقی می‌گردد. در صورت ادامه روند عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی منطقه با رژیم صهیونیستی، تنها راهکار و نیروی بازدارنده موثر در حقوق بین الملل جهت توقف نقض‌های صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی، کارآیی خود را از دست می‌دهد.

نتیجه‌گیری

رژیم اسرائیل که سال‌های متمادی قواعد و مقررات حقوق بین الملل را نقض کرده و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین المللی را به مخاطره کشانده، همسو با پیشبرد اهداف تجاوزکارانه خود و در راستای الحاق آرام سرزمین‌های فلسطینی، به عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی مبادرت ورزیده است. همچنین این دولت دهه‌هاست که با نقض حقوق مردم مناطق اشغالی، مانع تحقق حقوق حداقلی آن‌ها شده است. نقض‌های پی‌درپی صورت پذیرفته توسط این رژیم، جامعه اسلامی را بر آن داشته تا به صورت یکپارچه جهت حفظ صلح و امنیت منطقه تلاش کنند و همین امر نیز موجب تشکیل سازمان همکاری اسلامی شده است. سازمان همکاری اسلامی که در پی نیاز به راه حل‌های صلح‌آمیز برای منازعات منطقه و فراهم ساختن بستری جهت پاسداری و نگاهداشت صلح و امنیت منطقه و جهان، از گذر ایدئولوژی مشترک اسلامی ایجاد گردیده است را می‌توان موثرترین و چه بسا تنها گزینه پیش‌رو جهت کنترل نقض‌های مکرر رژیم اشغال‌گر و حمایت جمعی از مردم فلسطین دانست. از این‌رو تأکید بر ظرفیت‌های موجود در سازمان همکاری اسلامی و نیز ملزم نمودن اعضاء برای پیروی از اهداف و خط مشی‌های سازمان، گامی مؤثر در جهت برجسته کردن نقش این سازمان در تأمین صلح و امنیت منطقه و احقاق حقوق فلسطینیان قلمداد می‌گردد.

متأسفانه در برابر چالش‌های منطقه‌ای و داخلی موجود در باب مسأله فلسطین و گسترش ارتباطات سایر کشورهای عربی با اسرائیل، مردم و حاکمیت فلسطینی تنها تماشاگران منفعل تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه بوده‌اند. رژیم اسرائیل با ترجیح الحاق آرام و عدم شناسایی وضعیتی مشخص برای مناطق اشغالی، و در پی آن با عدم شناسایی حقوق مردم آن سرزمین‌ها و همگام نمودن سایر دولت‌های منطقه با اهداف خود، تلاش نموده تا روابط خود را با سایر دولت‌های عربی عادی‌سازی نماید. بی‌گمان و بسان امری ناگزیر در آینده نیز شاهد آن خواهیم بود که مقامات اسرائیلی در راستای اهداف یاد شده خود تلاش خواهند کرد تا «الحاق آرام» و مداوم خود را به حداکثر برسانند؛ از این‌رو با نظر به این‌که تصمیم جمعی دولت‌ها در عدم شناسایی دولت اشغال‌گر اسرائیل و خودداری از گسترش روابط با این دولت، می‌تواند

نقشی بازدارنده در الحاق سرزمین‌های بیشتر ایفاء نماید، و توسعه روابط دیپلماتیک با آن دولت به منزله پذیرش این نقض‌ها است، مقتضی است که دولت‌های منطقه تا حد ممکن از عادی‌سازی و توسعه روابط خود با آن دولت اشغال‌گر خودداری ورزند. این امر مستلزم آن است که با توجه به اهداف تعیین شده در اساسنامه سازمان همکاری اسلامی و در نظر گرفتن حقوق مردم فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت آن‌ها، همچون گذشته و آن‌گونه که بایسته است از منظر حقوق بین‌الملل به نقش دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در این زمینه توجه بایسته‌ای مبذول گردد؛ از این جهت لازم است تا سازمان همکاری اسلامی رویکرد منفعلانه خود در مورد این موضوع را کنار گذارده و در مورد احقاق حقوق مردم فلسطین و ایجاد هماهنگی میان اعضا فعالانه‌تر عمل کند. از سوی دیگر، اهداف جمعی کشورهای منطقه و نیز تعهدات عام‌الشمول آن‌ها ایجاب می‌کند تا تعامل مستمری میان اعضا این سازمان برقرار و مقررات و سازکارهای مشخصی برای اعضا تعیین گردد. در واقع کارآمدی بیشتر این سازمان تنها در پرتو وجود نهادی قوی، سازکارهای اجرایی صحیح، اتخاذ تصمیمات و تصویب اسناد حقوقی کارآ و همچنین استفاده از ظرفیت‌های قانونی این سازمان در حل اختلافات و وضعیت‌های خاص منطقه‌ای امکان‌پذیر است. در این صورت و در چارچوب اهداف سازمان همکاری اسلامی، انتظار می‌رود این سازمان با تغییر رویه کارکردی و خروج از شیوه منفعلانه خود در مسائل و منازعات منطقه‌ای، به سوی ایفاء نقشی مؤثرتر در مورد مسأله فلسطین حرکت کند و در همین راستا اعضا را نیز ملزم دارد تا در مناسبات خود با رژیم صهیونیستی، در چارچوب اهداف سازمان و حمایت از حقوق مشروع مردم فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت آن‌ها، گام بردارند و با محدودسازی روابط خود با این رژیم به یک راه حل منطقه‌ای اثربخش و در نتیجه صلح پایدار در منطقه دست یابند. با تلاش و همکاری جمعی اعضا می‌توان امیدوار بود این سازمان در آینده نقشی مؤثرتر جهت حل چالش‌های منطقه و جهان اسلام ایفاء نماید.

فهرست منابع

- آخوندان، الهام، ۱۳۹۰ش، منازعه اسرائیل فلسطین در پرتو دکترین مسولیت حمایت، روزنامه اعتماد، شماره ۲۲۷۸.
<https://www.magiran.com/article/2372311>
- بزرگمهری، مجید، محمدخانی، علیرضا و نعمتی، فاطمه، ۱۳۹۵ش، علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، ش ۱۸.
- توحیدی، احمدرضا، ۱۳۹۳ش، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، میزان.
- جاسبی، محمد، هاشمی، سیدمحمد، محبی، محسن، ۱۳۹۹ش، حقوق آوارگان و تعهدات دولت‌ها درقبال آنان با نگاهی به وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۷، ش ۳.
- رستم‌زاد، حسینقلی، ۱۳۸۴ش، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳.
- سیاه‌رستمی، هاجر، ۱۳۹۴ش، اشغال نظامی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات خرسندی.
- ملکی، محمدرضا، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، ۱۳۹۹ش، چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، ش ۳ (۶۷).
- منفرد، مهوش، طباطبایی، سیداحمد، ۱۳۹۹ش، رژیم حقوقی قابل اعمال بر سیاست کشتار هدفمند اسرائیل در سرزمین فلسطین، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ش ۲ (۵۰).
- میرمحمدی، سید مصطفی، ۱۳۹۶ش، برنامه‌های عمل ده‌ساله سازمان همکاری اسلامی، صلح و امنیت بین‌المللی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۴، ش ۱.
- نوروزی، علیرضا، زمستان ۱۳۹۴ش، بررسی نظام حقوقی اشغال نظامی از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر جنگ عراق علیه ایران، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- Abraham accords, <https://www.state.gov/the-aboraham-accords/>.
- Alter, E. & Janardhan, N., (2021), "Abraham Accords: Legal Interpretation and Scope for Collaboration with Asia", Emirates Diplomatic Academy.
- Apartheid Convention, (1973), <https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocitiy-crimes/pdf>.
- Benvenisti, E. (2012), The International Law of Occupation, 2nd Edition, Oxford: Oxford University Press.
- Bering, J. (2017), "The prohibition of annexation: lessons from Crimea", New York University Journal of International Law and Politics, 49(3), 747-832.
- Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA), Israeli Practices towards the Palestinian People and the Question of Apartheid, Beirut, 2017, E/ESCWA/ECRI/2017/1.
- Gordon P. H. (2020), What Morocco's agreement with Israel means for the wider Middle East, from <https://www.cfr.org/in-brief/what-moroccos-agreement-israel-means-wider-middle-east>, (last visited: 20.11.2022).
- Halbfinger D. M., and Rasgon A. (2020), Netanyahu's annexation plans meet surprise opponent: Israeli Settlers, The New York Times, from: <https://www.nytimes.com/2020/06/01/world/middleeast/israel-annex-netanyahu->

- westbank.html, (last visited: 24 April, 2021).
- Higgins R. (2012), 'International Law in a Changing International System: The Rede Lecture University of Cambridge, 22 October 1998', Themes and Theories (Oxford, 2009; online edn, Oxford Academic, 22 March, 2012),
<https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198262350.003.0059>, accessed 13 Dec. 2022.
- Hitman G., and Kertcher C. (2018), "The Case for Arab-Israeli Normalization during Conflict", the Journal for Interdisciplinary Middle Eastern Studies, 2, 47-70.
- Hofmann R. (2020), Max Planck Encyclopedia of International Law.
- Human Rights Council, (2022), Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel.
<https://undocs.org/en/A/77/328>.
- International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid. Adopted by the General Assembly of the United Nations on 30 November (1973), available at: <https://treaties.un.org/doc/publication/unts/volume%201015/volume-1015-i-14861-english.pdf>, (last visited: 20.11.2022)
- Israeli-Palestinian Interim Agreement on the West Bank and the Gaza Strip (Oslo II), <https://peacemaker.un.org/israelopt-osloII95>.
- Jon Heller K., (2020), June 10, 2020, 271 public international law scholars, An Open Letter to the Israeli Government Condemning Annexation, *Opinio Juris*,
<http://opiniojuris.org/2020/06/11/an-open-letter-to-the-israeli-government-condemning-annexation/>, (last visited: 25.03. 2021).
- Kamel L. (2020), "Quiet annexation amid UAE-Israel normalization, Carnegie endowment for international peace", September 03, 2020, available at:
<https://carnegieendowment.org/sada/82648>, (last visited: 25.03. 2021).
- Kayaoglu T. (2015), The Organization of Islamic Cooperation Politics, problems, and potential, New York: Rutledge, 1st edition.
- Kelsen H. (1944). Peace through Law, Chapel Hill, University of North Carolina Press
- Lynk S.M & Akram S.M. (2013), The Arab-Israeli Conflict and International Law, No.13-11, BU School of Law, available at:
www.bu.edu/law/faculty/scholarship/workingpapers/2013.html, (last visited: 25.03. 2021).
- Maurer P. (2012). "Challenges to International Humanitarian Law: Israel's Occupation Policy, International Review of the Red Cross", 94(888), 1503-1510.
- McWhinney, E. (1962). "Peaceful Co-existence" and Soviet-Western International Law, the American Journal of International Law, 56(4), 951-970.
<https://doi.org/10.2307/2195930>.
- Middle East Statement by Mr. Nicolas de Rivière, Permanent Representative of France to the United Nations Security Council, Israel's settlement policy is illegal under international law, 20November (2019), from <https://onu.delegfrance.org/Israel-s-settlement-policy-in-the-occupied-Palestinian-territories-is-illegal>, (last visited: 1 May 2021).
- Odeh, M. et al. (2020). "Creeping Annexation: A Pillar of the Zionist-Israeli Colonization of Mandatory Palestine", Badil Working Paper No. 25, Badil Resource Center for Palestinians Residency & Refugee Rights, available at:
<https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/countries/ps/sr-selfdetermination/2022-07-07/Creeping-Annexation.pdf>, (last visited: 30 November

- 2022).
- Organization of Islamic Cooperation Charter,
https://www.oic-oci.org/upload/documents/charter/en/oic_charter_2018_en.pdf (last visited: 30 November 2022).
- Organization of Islamic Cooperation (OIC). (2021) OIC calls for full adherence to ceasefire and stresses importance of two-state solution for comprehensive peace,
https://oic-oci.org/topic/?t_id=26172&ref=16394&lan=en.
- Standish K et al. (edt), (2022), The Palgrave Handbook of Positive Peace, Springer Nature Singapore.
- S_RES_217 (1965)-EN.pdf, available at <https://digitallibrary.un.org/record/90484>.
- Special Rapporteur on the situation of human rights in the Occupied Palestinian Territories: Israel has imposed upon Palestine an apartheid reality in a post-apartheid world, A/HRC/49/8725 March 2022, available at :
<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2022/03/special-rapporteur-situation-human-rights-occupied-palestinian-territories>, (last visited: 30 November 2022).
- United Nations Charter, 1945, <https://www.un.org/en/about-us/un-charter>.
- United Nations, Report of the International Law Commission, Seventy-first session, A/74/10, 2019.
<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G19/243/93/PDF/G1924393.pdf?OpenElement>, (last visited: 12 December 2022).
- <https://www.usatoday.com/story/news/world/2020/10/23/donald-trump-sudan-normalize-relations-israel-after-terror-designation-lifted/3514503001/>
- Vienna Convention on the Law of Treaties, (1969),
https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf.

Persian References

- Akhundan, E. (2013). The Israeli-Palestinian Conflict in Light of the Doctrine of Responsibility for Protection. Etemad newspaper, No. 2278. Retrieved from:
<https://www.magiran.com/article/2372311>
- Bozorgmehri, M., Mohammadkhani, A., & Nemati, F. (2015). Causes of Divergence in the Organization of Islamic Cooperation. Political Studies of the Islamic World, 5(18).
- Jasbi, M., Hashemi, S. M., & Mohebi, M. (2019). The Rights of Displaced People and the Obligations of Governments Towards them with a View to the Situation of Displacement in the World and Islamic Countries. Comparative Research of Islamic and Western Law, 7(3).
- Maleki, M., & Mohammadzadeh Ebrahimi, F. (2019). Middle East peace prospects in the shadow of the normalization of relations between Israel and the Arab world. International Studies Quarterly, 17(3), 67.
- Mirmohammadi, S. M. (2016). Ten-year Action Plans of the Organization of Islamic Cooperation. International Peace and Security, Comparative Research Journal of Islamic and Western Law, 4(1).
- Monfared, M., & Tabatabai, S. A. (2019). The Legal Regime Applicable to Israel's Policy of Targeted Killing in the Palestinian Territories. Public Law Studies Quarterly, 2(50).

- Norouzi, A. (2014). Investigation of Occupation of the Military Legal System from the Perspective of International Law with Emphasis on the War between Iraq and Iran. In Proceedings of the Second International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences.
- Rostamzad, H. (1384). International Society and International Obligations. Legal Magazine, International Legal Affairs Center of the Legal Assistant and Presidential Assembly Affairs Publication, 33.
- Siah-Rostami, H. (2014). Military Occupation in International Law. Tehran: Khorsandi Publication.
- Towhidi, A. R. (2013). Law of International Organizations. Mizan Publication.

